

# دشنام بخود؟

اکنون نظری بماده ۱۰ (قسمت دوم) آئین نامه  
خلافی افکنیم.

«ماده ۱۰ کسانیکه مرتجلاً بدیگری شروع به  
«فحش نمایند یا طلب خود را بهتاکی مطالبه کنند یا»  
«بهر نحو از انحاء بدیگری اهانت و هتك حرمت نموه»  
«در صورتیکه مشمول مواد فصل چهاردهم قانون مجازات»  
«عمومی نباشند»

از عبارت ماده فوق مخصوصاً کلمه «مرتجلاً»  
کاملاً واضح است که قانونگذار هم در درجه اول نفع جامعه  
را در نظر گرفته و اضرار بغیر در درجه دوم قرار داده  
شده پس هر گاه کسی بدون حضور غیر بدیگری فحاشی  
نماید بموجب ماده فوق قابل تعقیب نیست برخلاف دشنام  
در حضور مردم گناه است و دارای جنبه عمومی بوده  
باسترداد شکایت شاکی از بین نمیرود بدون درخواست  
او هم قضیه قابل تعقیب است.

بهر حال گفتگوی بر سر دشنام شخص خطاب بخود  
است که اگر در انظار عموم بعمل آید قابل تعقیب خواهد  
بود یا نه؟

علی الاصول و طبق فلسفه جزائی چنانچه گفتیم  
اساساً استعمال الفاظ زشت و ناپسند از نظر اینکه مخالف  
با اخلاق حسنه و تربیت بوده و موجبات از جار شدن گان  
را فراهم میسازد باید گناه بوده و قابل تعقیب و کیفر  
باشد چنانچه ماده ۷ شق ۳ آئین نامه خلافی مؤید همین  
معنی است که گوید:

«کسانیکه در معابر و شوارع گلاویز شده یا»  
«متکلم بالفاظ قبیحه شوند یا صدای کریه نموده یا»  
«آواز بخوانند»

پس وقتی ادای الفاظ رکیک گناه و قابل تعقیب

میدانیم که ماده ۱۰ آئین نامه خلافی فحاشی را  
گناه دانسته و بنا بر این هر کس نسبت بدیگری ناسزا  
گفته و فحش دهد بعنوان خلان تحت تعقیب واقع خواهد  
شد حال به بینیم اگر کسی نسبت بشخص خودش در انظار  
دشنام گفت آیا چنین عمل گناه و انجام دهنده آن  
قابل تعقیب و کیفر است یا نه؟

در بادی امر و از توجه ظاهری بموضوع شاید  
چنین استنباط شود که با توجه باین اصل میم که در  
تعیین کیفر برای عمل افراد بیشتر نفع افراد و حمایت  
آنها در مقابل تجاوز دیگران در نظر گرفته شده در  
فحاشی نسبت بخود مرتکب ضرری بغیر از شخص خویش  
وارد نساخته و بنا بر این موضوع قابل تعقیب نبوده و گناه  
تشخیص نمیشود.

ولی با توجه دقیق تری بکیفیت وقوع و فلسفه  
قانون و طرز انشاء ماده مربوطه میتوان بر گناه بودن موضوع  
اظهار نظر نمود چه صحیح است که یکی از منظورات  
مسلمه قانونگذار حفظ و حمایت حقوق و منافع افراد  
است لکن از طرف دیگر هم هر جا منافع افراد با جامعه  
اصطکاک پذیرد باید بلا درنگ در برابر مصالح عمومی  
و منافع اجتماعی نفع فردی را فدا کرد. هم چنانکه در  
بسیاری از مواد قانون کیفر منحصرأ مصالح جمعی در  
نظر گرفته شده و بهمین جهت است که گذشت شاکی  
خصوصی در این موارد تأثیری از لحاظ ترك تعقیب ندارد.  
در امور خلافی هم که در درجه اول و بلکه  
منحصراً منافع اجتماعی در نظر گرفته شده فحاشی از  
آن جهت گناه است که منافعی با احساسات عمومی و  
اخلاق حسنه بوده و گذشت شاکی خصوصی هم تأثیری  
در آن ندارد.

باشد دادن دشنام و ناسزا و لو بشخص خود هم باشد باید گناه تشخیص شود.

هر چند بطور کلی بسیار قبیح بنظر میرسد کسی در حضور جمعی بخود دشنام و ناسزا گوید ولی در عین حال وقوع امر، مجال نبوده و بلکه میتوان در عمل شواهدی برای آن پیدانمود: شخص بگناه اینکه در میعب خود قلب نموده تحت تعقیب و مورد شکایت واقع شده پس از مراجعه بکارشناس سالم و بی عیب بودن کالا تصدیق و در محضر مامورین بخود ناسزا میگوید که من «.....» شده اگر این چنین کاری کردم.....»

و یا گاه در معاشر شنیده میشود که شخص برای الزام خود بانقام از کسی یا تهدید او دشنام های شدید بخود میدهد.

پس موضوع گناه کاملاً صورت پذیر و ممکن

است مورد رسیدگی واقع شود.

اکنون باید دید عمل مزبور با کدام ماده از آئین نامه خلافی قابل انطباق است. و برای اینک اولاً لازم است نوع دشنام را در نظر گیریم:

باین طریق اگر فحش شخص منحصرأً انتساب صفات زشت و یا کلمات ناهنجار بشخص خود است مشمول شق ۳ ماده ۷ بوده و کیفرش کمتر و خفیف تر است.

اگر برخلاف دشنام گو پدر یا مادر یا زن و یا بستگان و کسان خویش را مورد استناد قرار میدهد شك نیست که مورد باماده ۱۰ قسمت دوم منطبق است چه ذکر جمله «بهر نحوی از انحاء بدیگری اهانت و هتک حرمت نموده.....» کافی برای انطباق عمل با این ماده خواهد بود.

دکتر ع. اخوی

## اقامت ممنوع و اقامت اجباری

در حقوق جزاء مقایسه

بیت ۲

« مشخصات حقوقی اقامت ممنوع در حقوق جزاء

فرانسه و مقایسه آن با حقوق ایران »

چنانچه سابقاً در مقدمه تاریخی این مقاله ذکر شد بتدریج در قانون جزاء فرانسه موضوع «اقامت اجباری» در نقطه معین که بیک تعبیری « همان آزادی تحت نظر کامل پلیس بود » از بین برداشته شده و فقط «منع از اقامت در نقطه یا نقاط معین کشور» بقوت خود باقی ماند. باینکه میتوان قانون جزاء ۱۸۱۰ فرانسه را با اصلاحات بعدی جزو کاملترین قوانین دنیا محسوب داشت

ولی مع التأسف بتدریج ایام در ناصیه این قانون نیز آثار پیری و سالخوردگی پیدا بوده و متخصصین فن بمرور در صدد اصلاح و جوان کردن مواد و قسمتهای مختلفه آن میباشند و در موضوع ما نحن فیه نیز قانون نامبرده کاملاً تبعیت از افکار سابق محیط اجتماعی و سیاسی فرانسه نموده و منع از اقامت را در جزء « مجازاتها » قید نموده است بطوریکه اگر بنا شود امروزه عنوانی برای آن موضوع پیدا بکنیم باید همان عنوان مجازات را خواهی نخواهی انتخاب کرده و اعتراف نمائیم که لا اقل در تئوری از عنوان و مرحله «تأمین» باندازه کافی دور میباشیم چنانچه سابقاً نیز بدان اشاره نمودیم در قانون